

پیدایش کتابخانه در جهان اسلام



نوشته: لعبت درخشانی
کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی

هم‌کیشان من اشعار و داستان‌های عرب را می‌خواندند و به مطالعه آثار فیلسوفان مسلمان می‌پرداختند این مطالعه نه برای تکذیب و یا رد این مطالب بود بلکه می‌خواستند آنها را از آنان بیاموزند.» (۲) ارجمندی کتاب، علم، کتابخانه و مراکز علم‌آموزی در نزد مسلمانان بود که شهرت و آوازه دانشمندان مسلمان را به سراسر گیتی می‌رساند. «فیلیپ» می‌نویسد: «بی‌دلیل نیست که پادشاهان لیون، ناوار، بارسلون هر وقت نیاز به طبیب، جراح، معمار، استاد موسیقی و آواز و یا ابداع‌آور و مدل‌سازی برای لباس‌های مردان و زنان داشتند؛ قرطبه اسلامی بود که می‌توانست به نیاز آنان پاسخ دهد. آوازه شهرت سرزمین‌های اسلامی به اندازه‌ای بود که راهبان ساکسون از آن به عنوان «جوهر و یا دُر جان» یاد می‌کردند.» (۳) و بنا به فرمایش مرحوم استاد زرین‌کوب در شرایطی که در غرناطه اسلامی هفتاد کتابخانه عمومی بود چهارصد سال پس از آن تاریخ به همت «شارل عاقل» کتابخانه عمومی در اروپا بنا گردید که پس از سالها تلاش تعداد کتاب‌ها به هزار جلد هم نرسید که یک سوم آن نیز ادعیه و اوراد کشیشان بود.» (۴) جرجی زیدان برای درک عظمت و اهمیت کتابخانه‌های اسلامی، این کتابخانه‌ها را با کتابخانه‌های مهم دنیای امروز مقایسه کرده و میزان برتری نسبی کتابخانه‌های اسلامی را در

آیین توحیدی اسلام همیشه دانش و آموزش را تبلیغ کرده و بر افزودن آموخته‌ها در هر زمان و هر جا تأکید کرده است. مسلمانان نیز همواره به اصول آیین خود و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر پیامبر خود وفادار بوده‌اند و به تأسیس مدارس، مراکز علمی و کتابخانه‌هایی پرداخته‌اند که تعریف آنها را در چهارده قرن گذشته از زبان دوست و دشمن می‌توان شنید. در نتیجه ارزش دادن به کتاب و علم‌آموزی ابتدا از سوی پیامبر اسلام و پس از ایشان پیروان او بود که از همان دوران اولیه اسلام مجموعه‌هایی از کتاب بوجود آمد. «ماکینسن» در این باره می‌گوید: «کتاب و مطالب نوشته شده، پیامبر (ص) را به شوق می‌آورد و پس از گذشت قرن‌ها این شوق در اعقاب و پیروان او بر جای ماند. اعراب کتاب‌ها را با خود به صحرا می‌بردند و هر جا که می‌رفتند کتاب‌هایی بیشتر جمع می‌کردند. با اینکه معتقد بودند که قرآن کتابی بی‌نظیر است اما به مطالعه و ترجمه کتب دیگر نیز می‌پرداختند.» (۱) دانشمندان بسیاری از مسلمان و غیرمسلمان معترفند که تا این اواخر در هیچ نقطه‌ای کتابخانه‌هایی به کثرت و تجهیزات و سازمان یافتگی کتابخانه‌های مسلمانان یافت نمی‌شد. «سن‌الوار» کشیش مسیحی که در قرن دهم میلادی در قرطبه می‌زیسته در کتاب «نخستین» خود می‌نویسد: «بسیاری از



پانصد سال در دست مسلمانان بود.

اسلام و چاپ

زمانی که مناطق گسترده‌ای از آسیا - ژاپن، کره، چین، سرزمین‌های ترک ایغور - کتاب با قالب‌های چوبی و سپس با حروف متحرک به چاپ می‌رسید در سایر نقاط آسیا و اروپا هنوز تولید کتاب از طریق دستنویسی صورت می‌پذیرفت. «ث.ف. کارتر» در کتاب «اختراع چاپ در چین و سرایت آن به غرب» این موضوع را چنین توجیه می‌کند که: «مسلمانان به دلایل دینی از چاپ کتب مقدس خویش با ابزارهای مکانیکی به شکل غیردستنویسی ابا داشتند و این باعث تأخیر سرایت چاپ از خاور دور به اروپاست.» (۷) این موضوع واقعیت دارد زیرا مسلمانان از چاپ قرآن امتناع می‌کردند و حتی پروانه تأسیس چاپخانه به این شرط داده می‌شد که در آنجا قرآن چاپ نشود. (۸) به هر صورت چاپ قرآن از آغاز سده پانزده میلادی شروع شد و آن هم در خارج از قلمرو مسلمانان [در سال‌های ۱۴۸۳ - ۱۴۹۹ م. در ونیز]. اما با تمام این توضیحات چاپ در قلمرو مسلمین قدمتی طولانی داشته و کتاب‌های چاپ‌قا با چوبی در مصر در دوره میانه در خور توجهی خاص است. این کتب اکثراً به زبان عربی بوده و دارای موضوعات دینی است. از همه مهمتر اینکه بسیاری از شواهد جمع‌آوری شده توسط پژوهشگران محرز می‌سازد نخستین کتاب‌های قالب چوبی زمانی در اروپا پدید آمد که تولید آن در مصر متوقف شده بود.

تولید و انتشار کتاب در اسلام

تا قرن هشتم میلادی، یعنی زمانی که مسلمانان تولید کاغذ را آغاز کردند بیشتر ابیات شعری و داستان‌ها و حتی دستاوردهای علمی از طریق شفاهی میان مردم رد و بدل می‌شد. با تولید کاغذ دوران زرین کتاب آغاز شد، چه شمار کتاب‌های خطی افزایش چشمگیری یافت و رقابت بر سر به دست آوردن کتاب‌های گرانقیمت، خلفا، وزراء، ثروتمندان را فراگرفت. خطاطان بزرگ غرق در سفارش کتاب و هدایای ارزشمند شدند. بسیاری از آنان در کتابخانه‌ها کار می‌کردند و برای این مراکز از کتاب‌ها رونویسی می‌کردند و از این راه زندگی‌اشان را می‌گذراندند. از میان خوشنویسان «ابن کلا»

قرون اولیه با کتابخانه‌های فعلی نشان داده است. وی نام کتابخانه‌ها و شمار کتاب‌های هر یک را ذکر کرده و متذکر شده که این برتری با توجه به این مسئله است که در آن روزگار صنعت چاپ اختراع نشده بود و کاغذ به این ارزانی و فراوانی نبود. از اینرو اعتبار و ارزش کتابخانه‌های اسلامی بارزتر گشته و کاملاً هویدا است. (۵)

ماده نوشتاری - تولید کاغذ

تا قرن هشتم میلادی مسلمانان همچون دیگر اقوام آن روزگار غالباً از پوست به عنوان ماده نوشتاری استفاده می‌کردند اما پس از فتح مصر به استفاده از کاغذ پاپیروس روی آوردند. جهشی که بعدها در زمینه تولید کتاب پدید آمد جز با پیدایش ماده جدید و ارزان نوشتاری، یعنی کاغذ، میسر و شدنی نبود. پیرامون این موضوع مورخان عرب رخدادی را بازگو می‌کنند که منابع چینی نیز آنرا تأیید می‌کنند. این رویداد به آغاز تولید کاغذ در جهان اسلام مربوط می‌گردد.

در تابستان سال ۷۵۱ م. میان دو قبیله ترک در آسیای مرکزی ستیزی در گرفت و هر کدام آنها از همسایگان خویش یاری خواستند یکی از این دو قبیله از مسلمانان کمک خواست و دیگری از چینیان. نبرد میان این دو قوم به پیروزی قبیله‌ای انجامید که مسلمانان از آنان پشتیبانی می‌کردند. مسلمانان این اسیران را به سمرقند بردند و به کمک آنان در شهر نخستین کارگاه دایر شد که کاغذ به سرزمین‌های دیگر صادر می‌کرد. در پایان سده هشتم میلادی ابتدا بغداد و بعد دمشق نیز به عنوان مراکز کاغذگری شهرت یافتند. کاغذ دمشق در اروپا مشتری فراوان داشت. مصر نیز از دیگر مراکز کاغذسازی به حساب آمد. نخستین اشاره به این موضوع را در کتاب «ادریسی» می‌یابیم؛ وی در سال ۱۱۵۰ از شهر شاطبه [جایتوای کنونی] در «النسیا» یاد می‌کند که کاغذ آن در دنیای متمدن نظیر ندارد و به شرق و غرب صادر می‌شود. (۶) البته تولید کاغذ یکباره به حیات پوست به عنوان ماده نوشتاری پایان نداد، چرا که تا مدتها برای نگارش قرآن از پوست استفاده می‌گردید. رقابت میان کاغذ پاپیروس و کاغذ جدید تا سده‌های دوازده و سیزده میلادی ادامه یافت تا سرانجام کاغذ جدید پیروز شد و بدین ترتیب کاغذگری و تجارت کاغذ در حدود



(۸۸۶ - ۹۴۰ م) و «ابن بواب» (۱۰۲۲ - ۱۰۳۲ م) بیش از دیگران شهرت یافتند. روایت شده که ابن بواب در طول حیاتش پانصد نسخه از روی قرآن نوشته است. در اکثر شهرهای اسلامی تجارت کتاب بسیار شایع بود. و زرقان در شلوغ‌ترین قسمت‌های شهر مغازه داشتند و در این مغازه‌ها نه تنها کتاب به فروش می‌رسید بلکه دانشمندان و دانشجویان در آنجا گرد هم آمده و به بحث و گفتگوهای علمی و شعرخوانی می‌پرداختند. در این اماکن پیرامون کتاب‌های جدید نیز اطلاعاتی به جستجوگران داده می‌شد. در عصر عباسی «بغداد» کانون اصلی تولید و تجارت کتاب بود که شمار مغازه‌های و زرقان به یکصد می‌رسید و از این نقطه کتاب به سرعت به دورترین شهرهای جهان اسلام راه می‌یافت و متقابلاً کاروان‌ها از بیزانس، سوریه و هند به بغداد کتاب می‌آوردند. قیمت کتاب‌ها بر حسب مؤلفان و خطاطان آنها متفاوت بود بهای کتاب طبری (۸۳۹ - ۹۲۳ م) بنا به گفته مقریزی به صد دینار می‌رسید و این در حالی بود که بطور متوسط بهای کتاب یک تا دو دینار بود.

افزایش تعداد کتاب و پیدایش آغازین کتابخانه‌های اسلامی

پیشوایان مسلمین به کتاب شور و علاقه نشان می‌دادند و به آن اهتمام می‌ورزیدند. دانش و دانش‌آموزی مدام از سوی آنان تشویق می‌شد. این رسالت از پیامبر شروع گشته توسط ائمه و خلفا پاسداری گشت. آنان به گردآوری، ترجمه، بررسی آثار نویسندگان کهن یونان نیز همت گماردند. و شمار زیادی از نسخه‌برداران، مترجمان، صحافان، کتاب آرایان و دانشوران در تولید کتاب و ترجمه و شرح متون گوناگون مشارکت ورزیدند. حتی در بغداد غیر از آثار یونانیان باستان آثار نویسندگان کشورهای مجاور مانند هند نیز مورد توجه قرار گرفت. در سده‌های ده و یازده فعالیت نسخه‌نویسی و خوشنویسی و ترجمه بسیار چشمگیر است. به عنوان مثال در زمینه استنساخ (بخصوص قرآن) زنان نیز مشارکت داشتند به طوری که در قرطبه صدو هفتاد زن سرگرم نسخه‌برداری از قرآن بودند. همچنین بسیاری از کتب علمی و فلسفی یونانی به عربی ترجمه شد که بعدها اروپاییان از طریق همین ترجمه‌های

عربی با این کتاب‌ها آشنا شدند و آثار طبی، فلکی، ریاضی و فلسفی از عربی به لاتین برگردانده شد و از برکت این ترجمه‌ها اروپاییان به دستاوردهای علمی و فلسفی مسلمانان و کتاب‌های نویسندگان باستان آشنا شدند. (۹) در چنین شرایطی طبیعی بود که خیلی زود ابتدا کتابخانه‌های شخصی و سپس کتابخانه‌های کاخ‌ها، خلفا، وزراء و دانشمندان پا به عرصه وجود گذاشت. افزودن بر اینها در مساجد و مدارس دینی نیز کتابخانه‌هایی بنا گردید. در ابتدا تقریباً تمام کتاب‌ها شناسه دینی داشتند که در میان آنان نسخه‌های قرآن با برخورداری از خط زیبا و تجلید نفیس جایگاه ویژه‌ای داشت، اما رفته رفته در کتابخانه‌های شخصی (مثل کتابخانه دانشمندان) کتاب‌هایی یافت می‌شد که آنان در تهیه تألیفات خود از آنها استفاده می‌کردند. بسیاری از کتابخانه‌های شخصی توسط صاحبانشان وقف می‌شد و به این شکل کتابخانه‌های عمومی پدید آمد. این پدیده گواه تمایل مسلمانان به استفاده دیگران و نشر علم است که چیزی جز اعتقادات و باورهای مذهبی آنان نیست. به این صورت در جهان اسلام مراکزی مانند بغداد، سمرقند، بصره، حلب، موصل و دمشق و ... کتابخانه‌های فراوان بوجود آمد. در مصر نیز کتابخانه‌هایی دایر شد که از همه کتابخانه‌های جهان اسلام عظیم‌تر و با اهمیت‌تر است. ابن سینا در زندگینامه خود از کتابخانه خاندان سامانی در بخارا نام می‌برد و می‌گوید که در زمان اقامت در این شهر امیر نوح بن منصور بیمار شد و من برای درمان فرا خوانده شدم در همان زمان از امیر خواستم که اجازه دهد برای دیدن و مطالعه کتب طب به کتابخانه‌اش بروم. پس از کسب اجازه وارد ساختمانی شدم که چند قسمت داشت در هر قسمت صندوق‌های کتاب روی هم چیده شده بود. در بخشی کتب علم لغت و شعر هم وجود داشت در بخش دیگر کتب حقوق و علوم دیگر، فهرست آثار و کتب یونان نیز موجود بود. در آنجا به مطالب مورد نظر خود رسیدم و همچنین کتاب‌هایی را دیدم که هیچ وقت و هیچ جای دیگر ندیدم ناگفته نماند که این کتابخانه طعمه حریق شد و ابن سینا از معدود کسانی بود که از آن بهره گرفت. (۱۰) اما باید مدنظر داشت که کتابخانه‌های اسلامی مانند هر مؤسسه اجتماعی تازه دیگر به شکل ابتدایی و مختصر بود. بخصوص در زمان حیات پربرکت رسول اکرم



حکومت می‌کرد. که در زمان وی خرید و نشر کتاب در درون و بیرون دربار چشمگیر بوده است. جانشینان وی نیز به جمع‌آوری کتب علاقه نشان دادند در زمان خلافت "هارون الرشید" (۱۷۰ هـ. ۷۸۶ م) تعداد کتب موجود در دربار به حدی بنود که او محلی را به آن اختصاص داد که به "بیت الحکمة" معروف گشت این کتابخانه سه وظیفه را عهده‌دار بود: الف) جمع‌آوری و حفظ کتب و تمام آثار ارزشمند آن زمان. ب) ترجمه کتب مورد علاقه خلیفه و کتب بالارزش از زبان‌های خارجی به عربی. ج) استفاده دانشمندان و دانش پژوهان از کتب و منابع کتابخانه. این کتابخانه در زمان "مأمون عباسی" غنی‌تر شد و حتی مأمون سعی کرد مطالب و اسناد و نوشته‌های مربوط به زمان جاهلیت را هم جمع‌آوری کند. این‌ندیم مدعی است که مأمون توانست به سندی دست پیدا کند که از پوست تهیه شده بود و شامل خط «عبدالمطلب»، پدر بزرگ پیامبر (ص) بود. (۱۲) کتابخانه خلفای فاطمی در قاهره نمونه دیگری از کتابخانه‌های سلطنتی است. که به "دارالحکمة" در زمان خلیفه ششم فاطمی (۳۸۶ - ۴۱۳ هـ) ساخته شد. این کتابخانه برخلاف کتابخانه‌های سلطنتی دیگر ورود برای عموم آزاد بود و هر کس می‌توانست از کتب‌های مورد نظر نسخه‌برداری کند. این کتابخانه ساختمانی بسیار مجلل داشت و تمام ساختمان مفروش بود و درها با پرده‌ها مزین شده بود. تمام کتب اهدایی به حاکم - با بهترین خط و جلد و تذهیب - به این کتابخانه آورده می‌شد. قابل ذکر است که خلفای فاطمی برای جلب مردم و دانشمندان، علاوه بر اناق مطالعه، کاغذ و قلم و مرکب نیز به طور رایگان در دسترس قرار داده و حتی غذا و مقرری برای دانشمندان در نظر می‌گرفتند تا آنان برای مدت طولانی‌تر و به راحتی مطالعه کنند.

۲- کتابخانه‌های قصر: این کتابخانه‌ها خاص دربار و فرمانروایان مسلمانی بود که به دانش و کتاب علاقمند بودند. استفاده از این کتابخانه‌ها محدودیت بیشتری داشت. مشهورترین این کتابخانه‌ها، کتابخانه دربار "مکتبه الزهرا" در قرطبه اسپانیا بود که توسط "حکم" خلیفه اموی (۳۶۶ - ۳۵۰ هـ) تأسیس شد که می‌نویسند: حکم کتاب‌هایش را به تاج و تختش ترجیح می‌داد. از دیگر کتابخانه‌های قصر «کتابخانه

(ص) و پس از آن نیز حتی در دوران خلفا و حکومت مولای متقیان علی (ع) نمی‌توان مجموعه کتاب‌ها و محل نگهداری آنان را کتابخانه نامید. اما پس از ظهور سلسله‌های مسلمانان و فتح ایران، بین‌النهرین و شمال آفریقا و... دنیای فرهنگی اسلام وارد مرحله جدیدی شد. امویان علی‌رغم نواقص و کجروی‌هایشان به فرهنگ علاقه‌مند بودند و دربارشان از دانشمندان و روشنفکران خالی نبود. اولین کتابخانه در دنیای اسلام که شبیه کتابخانه‌های امروزی بود متعلق به زمان یکی از شاهزادگان بنی‌امیه به نام «خالد بن یزید» است. این شخص مجموعه‌ای از کتب گوناگون داشت بطوریکه در زمان وی مرضی مسری در دمشق اشاعه پیدا کرد. خالد دستور می‌دهد که کتاب‌های طب و شیمی را از کتابخانه بیرون آورده و در اختیار طبیبان و مردم قرار دهند. (۱۱) دانشمندان نیز دارای مجموعه‌های زیادی از کتاب بودند. از آن جمله دانشمندی بنام «قریب» (۹۸ هـ. ۷۱۶ م) افتخار می‌کرد که یک بار شتر کتاب دارد. در مجموع جمع‌آوری کتاب در زمان بنی‌امیه آغاز شد ولی در زمان عباسیان کتابخانه‌ها تأسیس شد و این اماکن به منظور اشاعه دانش ارزشمند شمرده شد.

شکوفایی و تنوع کتابخانه‌ها

پس از گذشت چندی کلمه «مکتبه» و یا «خزینة الکتاب» در میان مسلمانان جای باز کرد و کتابخانه واژه‌ای آشنا محسوب گردید، که شکوفایی کتابخانه از همین زمان آغاز شد. چرا که از این تاریخ محققان انواع کتابخانه‌ها را برای مسلمانان برشمرده‌اند و در نوشته‌هایشان می‌خوانیم که کتابخانه‌های اسلامی به چند گروه تقسیم می‌شوند. از جمله: کتابخانه‌های سلطنتی، کتابخانه‌های قصر، کتابخانه‌های شخصی، کتابخانه‌های تخصصی، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مدارس، کتابخانه‌های مساجد، انواع کتابخانه‌های مسلمین هستند که به اختصار به شرح هر یک می‌پردازیم:

۱- کتابخانه‌های سلطنتی: که با عنوان کتابخانه‌های ملی و دولتی نیز نامیده شده‌اند. مبالغ هنگفتی صرف تأسیس و توسعه آنان می‌شد. آغاز تأسیس این کتابخانه‌ها را عصر اموی و شکوفایی آنها را در عصر عباسی برشمرده‌اند. به خصوص به زمان "منصور عباسی" که در سال (۱۴۵ هـ. ۷۶۲ م) در بغداد

العزیز» خلیفه فاطمی (۳۶۵ - ۳۷۶ هـ) بود و دیگر کتابخانه "المستعصم عباسی"، کتابخانه "الناصر عباسی" همچنین کتابخانه "عبدالدوله" از حکام آل بویه و کتابخانه "نوح بن منصور"، شاه سامانی در خراسان.

۳- کتابخانه‌های شخصی: این کتابخانه‌ها از آن افراد متحول و دانشمند بود بطوری که محققان می‌نویسند هیچ فرد محترم و صاحب مقامی یافت نمی‌شد که کتابخانه‌ای شخصی نداشته باشد. ابن ندیم در کتاب "الفهرست" از فتح بن خاقان، وزیر متوکل می‌نویسد که مردی دانشمند بود و در خانه خود در بغداد کتابخانه‌ای بزرگ داشت که از جهت زیبایی و کثرت کتاب‌های نادر بی‌نظیر بود و حتی دانش‌پژوهان و دانشمندان بسیاری از کتابخانه و کتاب‌های وی استفاده می‌کردند. دیگری "جاحظ" بود (۸۶۸ م) که به کتاب بسیار علاقه داشت. برای او نیز کتابخانه شخصی با کتاب‌های بسیار برشمرده‌اند. وی خود به حرفه کتاب‌فروشی مشغول بود و با وجود این از دیگران کتاب کرایه کرده و می‌خواند. نقل شده که وی به کتاب‌فروشان دیگر شهر پول می‌داد تا آنان اجازه دهند که یک یا دو شب در حجره آنان به سر برد و در این مدت کتاب‌هایشان را مطالعه کند. حتی علت مرگ وی را ریختن توده عظیمی کتاب بر سرش، هنگام مطالعه، ذکر کرده‌اند. (۱۳) کتابخانه شخصی مشهور دیگر کتابخانه "صاحب بن عباد" است. وی شخصی دانشمند و نویسنده و صاحب مقام در دربار آل بویه بود. کتابخانه عظیمی با صد و هفده هزار جلد کتاب داشت. این کتابخانه در شهرری [ایران] قرار داشت و با وجود اینکه این کتابخانه شخصی بود اما استفاده برای عموم آزاد بوده و حتی ابن عباد برای تشویق مردم به مطالعه جوایز نقدی برای خوانندگان در نظر می‌گرفت. وی هنگام مرگ کتابخانه‌اش را به شهرری بخشید. (۱۴) کتابخانه شخصی دیگر در شهرری کتابخانه "ابن عمید" بود که "ابن مسکویه" سمت کتابداری این کتابخانه را داشت. دیگر کتابخانه شخصی "علی بن یحیی منجم" که کتابخانه وی، "گنج عقل" نام داشت. همچنین کتابخانه شخصی "عمرالواقدی" که ششصد صندوق کتاب از خود برجای گذاشت.

۴- کتابخانه‌های تخصصی: این نوع کتابخانه نیز در جامعه مسلمین دیده شده است. این نوع کتابخانه به منظور

بارور کردن رشته‌های خاص علمی و ادبی تأسیس می‌گشته. مثلاً مجموعه کتب طبی در بیمارستان‌ها و یا مجموعه‌ای از کتب ریاضیات، هیأت، نجوم، اسطرلاب و طالع‌شناسی در رصدخانه‌ها و یا کتب مربوط به ادیان، قانون در مساجد و مراکز علمی. نمونه‌ای از این کتابخانه‌ها عبارت بودند از: کتابخانه "بیمارستان قدیم" در قاهره در زمان حکومت فاطمیان بنا به گفته "مقریزی"، در این کتابخانه بزرگ بالغ بر دویست هزار جلد کتاب وجود داشت. که اکثر این کتاب‌ها در موضوعات طب و شیمی بود. دیگر کتابخانه "بیمارستان منصوریه" در قاهره که سلطان "قلاوون" (۶۷۸ هـ) در این بیمارستان مدرسه، مسجد و کتابخانه‌ای با تعداد صد هزار جلد کتاب تأسیس کرد. همچنین کتابخانه شخصی "صاحب بن عباد" در ری که قبلاً معرفی شد بنا به گفته "مقدسی" مجموعه‌ای از کتب داستان و ادبیات و تاریخ را جمع‌آوری کرده بود.

۵- کتابخانه‌های عمومی: مورخان معترفند که حکام و امرای اسلامی دانش و علوم را در انحصار عده‌ای محدود از افراد قرار نمی‌دادند بلکه در دسترس همه افراد علاقه‌مند و با استعداد قرار می‌دادند. همانطور که قبلاً گفته شد حتی کتابخانه‌های شخصی نیز مورد استفاده عموم قرار می‌گرفت. اما کتابخانه‌هایی که از ابتدا به صرف استفاده عموم باشد نیز تأسیس گردید و این در زمان شکوفایی و اوج اسلام بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد. به طوری که فقط در اسپانیا هفتاد کتابخانه عمومی و در بغداد سی و شش کتابخانه عمومی تأسیس شد. "یاقوت حموی" (۵۴۷ - ۶۲۷ هـ) ده کتابخانه عمومی را در مرو برشمرده است. برای این نوع از کتابخانه‌ها اکثراً اتاقی و یا قسمتی از مساجد، مدارس و یا حتی اتاقی از خانه شخصی فردی و یا اینکه ساختمانی کاملاً مستقل در نظر گرفته می‌شد. اکثر مورخان علاوه بر جمع‌آوری کتاب انجام تسهیلاتی برای خوانندگان را نیز از فعالیت‌های این مراکز برشمرده‌اند. در برخی از این کتابخانه‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی اهداف دیگری دنبال می‌شد. که تبلیغ یک فکر و عقیده از طرف فرقه‌ای خاص از مهمترین این اهداف بود به عنوان مثال کتابخانه‌هایی که از جانب معتزلیان و یا شیعیان تأسیس شده و حمایت می‌شد. برخی از این کتابخانه‌ها



الله» که یکی از خلفای عباسی بود جهت نوسازی و رونق بخشیدن به کتابخانه همت بسیار کرد. «حمدالله مستوفی»، «غیاث‌الدین» و «ابن فرات» هر سه در قرن سیزدهم می‌زیسته‌اند [در آثار و نوشته‌هایشان از کتابخانه‌های مدارس و کثرت کتاب‌های آنها سخن بسیار گفته‌اند. کتابخانه «مدرسه المستهزیه» دارای هشتاد هزار جلد کتاب و کتابخانه مدرسه «دارالعلم» با صد هزار جلد کتاب از دیگر کتابخانه‌های مدارس بودند. در مرو، نیشابور، ری و موصل نیز این نوع کتابخانه وجود داشته است.

۷- کتابخانه‌های مساجد: «راث استلهورن ماکینسن» مستشرق پرتلاش در این باره می‌نویسد: کتاب‌ها با مشقت و سختی زیاد تهیه شده و به بهای گزاف خریداری می‌شد. با این وجود صاحبانشان آنها را به مساجد و زیارتگاه‌ها هدیه می‌کردند تا در آنجا در اختیار افراد قرار گیرد. اما هر مسجدی دارای کتابخانه نبود بلکه اکثر مساجد جامع هر شهر دارای مجموعه‌ای از کتب گوناگون بود. که از طرف مردم، نویسندگان و دانشمندان وقف می‌شد. در مسجد قرویین «در شمال آفریقا (فاس) توسط زنی ثروتمند و احسانگر بنام «فاطمه الفهری» سه کتابخانه مجزا به نام‌های «کتابخانه علمیه»، «کتابخانه ابویوسف» و «کتابخانه منصوریه» بنا شده بود. کتابخانه مسجد قیروان بنام کتابخانه عقبه قرن سوم هجری، کتابخانه مسجد «عمر» در قاهره، کتابخانه مسجد خطیری و همچنین کتابخانه مسجد ازبک هر دو در مصر بودند. کتابخانه «مسجد الاقصی» در شام و همینطور مسجد الحرام و مسجد النبی نیز دارای کتابخانه‌هایی بودند. کتابخانه حیدریه در مسجد بزرگ نجف به کتابخانه امام علی (ع) معروف بود که متعلق به قرن چهارم هجری که از طرف سلاطین و شاهزادگان و دانشمندان در طول سالیان زیاد کتاب‌هایی نفیس به این کتابخانه اهداء شده است. اما محل این کتابخانه‌ها گاهی ساختمان‌هایی کاملاً مجزا و حتی دور از مسجد بود که از اعمار مسجد به حساب آمده و تحت تولیت مسجد بود اما اکثراً این کتابخانه‌ها در داخل مساجد قرار داشت.

موضوع، عناوین و تعداد کتب در کتابخانه‌های اسلامی

عبارتند از: «کتابخانه طرابلس» که توسط دولت «بنوعمار» تأسیس شد و حدود ۳ میلیون [۱۹] جلد کتاب داشت. «دارالکتب» در شهرری که نوشته‌اند اکثر کتاب‌های این کتابخانه از سوی صاحب بن عباد اهداء شده بود. کتابخانه دیگری در کوهستان الموت که متعلق به فرقه‌ای خاص بود و کتب ادبیات، الهیات و تاریخ را جمع‌آوری کرده بود. کتابخانه دیگر در شهر «حلب» از طرف «سیف‌الدوله حمدانی» (۳۳۳ هـ) تأسیس شده بود که گفته شده این کتابخانه بیشتر به منظور استفاده دانشمندان آن عصر از جمله فارابی بود که با سیف‌الدوله دوست بوده‌اند. علاوه بر حکام، افراد خیر و صاحب مقام دیگر نیز مبادرت به تأسیس این کتابخانه‌ها می‌کردند. از جمله «فخرالدین مبارک شاه مرو رودتی» که صاحب مهمانسرای بزرگ بود در مهمانسرایش اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ کرده بود. در هر حال اکثر کتاب‌های این نوع کتابخانه از طریق وقف و هدیه از سوی افراد خیر تأمین می‌شد.

۶- کتابخانه‌های مدارس: این کتابخانه‌ها نیز از دیگر انواع کتابخانه‌های اسلامی بود که از جمله تسهیلاتی بود که برای دانش‌پژوهان در نظر گرفته می‌شد. که حتی گاهی گفته می‌شود - بعنوان مثال نویسنده کتاب «طبقات الشافعیه الکبری» - مسلمانان مؤسساتی را با کتابخانه تأسیس می‌کردند که در آنها دانشمندان علاوه بر مطالعه به تدریس هم می‌پرداختند. نظام‌الملک وزیر ملک‌شاه سلجوقی به تأسیس کتابخانه توجه بسیار داشت در زمان وزارت وی در نیشابور، بغداد و سایر نقاط مدارس بسیار تأسیس شد که برای تهیه و خرید و کتاب از جمله کارهای این مدارس بود. «عمادالدین اصفهانی» در این باره می‌نویسد: «نظام الملک در هر شهری که دانشمندی می‌یافت مدرسه‌ای بنا کرده کتابخانه‌ای فراهم می‌آورد.» در مدرسه نظامیه بغداد تعداد چهارصد هزار جلد کتاب تخمین زده‌اند. «ابن اثیر» در «الکامل» نظام الملک را به خاطر کمک‌هایش به کتابخانه مورد تمجید و تحسین قرار داده است. کتابخانه‌های مدارس گاهی از طرف افراد دانشمند و یا فرد خیری حمایت می‌شد. مثلاً فردی بنام «محب‌الدین ابن النجار» (۴۶۳ هـ) هنگام مرگ دو صندوق از کتاب‌های خود را به مدرسه نظامیه بخشید و یا شخص دیگری بنام «الناصرالدین



کتابخانه‌های اسلامی در درجه اول دارای نسخه‌های زیاد و زیبایی از قرآن و همچنین مطالب و موضوعات اسلامی مانند تفسیر الهیات، احادیث، قضاوت و قوانین قضایی بودند. با این همه در کتابخانه‌های مساجد کتب غیرمذهبی مثل موضوعات ادبی، اجتماعی، علمی نیز یافت می‌شد. در سال (۱۳۸۰ هـ) دولت مراکش فهرست دویست و پنجاه جلد از نادرترین نسخ خطی را که در "مسجرویین" قرار داشته است منتشر کرده که عناوین به شرح ذیل هستند: نسخ قرآن، آداب و سنن، تاریخ، شجره‌نامه، ادبیات، تصوف، تبلیغات مذهبی، قضاوت، فلسفه، علوم سیاسی، کشاورزی، شیمی، نجوم، طب و موسیقی. مستشرق فرانسوی بنام "P.J. Renaud" در کاوش و تحقیق خود درباره این مسجد به کتابی در موضوع سموم و پادزهرها اشاره می‌کند که این کتاب متعلق به دانشمند اسپانیایی بنام «لسان الدین خطیب» بوده است. کتابخانه‌های احمدیه و ابدالیه کتاب‌هایی در موضوعات: دستور زبان، شعر و شاعری، منطق، زبان‌های محلی، رسوم و آداب معاشرت استاد و مدارک فلسفه، عالم هستی، حساب و هندسه، ذخایر و معادن، آموزش حرفه‌ای، علم رمالی و طالع‌بینی کتاب‌های فراوان داشتند. «مسجد احمدی» در "طنطا" دارای نسخ خطی در بیست و پنج موضوع مختلف بود که از جمله: طب، موسیقی، حساب، جبر، هنر رنگ‌سازی را می‌توان نام برد. کتابخانه "ابن تولون" در قاهره بیشتر از هر موضوع، شامل علوم پزشکی بود. کتابخانه الازهر علاوه بر موضوعات مذهبی کتاب‌های زیادی در موضوعات جغرافی، ستاره‌شناسی، مهندسی، معماری، طب و ریاضیات داشت. برخی از محققان موضوعات دامپزشکی و داروشناسی، نقشه‌برداری، شرح اوضاع طبیعی و روابط جنسی انسان و راهبردهای نظامی را هم برای کتابخانه‌های اسلامی برشمرده‌اند. اما در مورد تعداد کتاب‌های این کتابخانه‌ها اغلب ارقام باورنکردنی و اغراق آمیزی را برشمرده‌اند. بعنوان مثال: تعداد کتاب‌های حیدریه را در حدود ۴۰ هزار جلد و یا گاهی ۴۰۰ هزار جلد برشمرده‌اند. برای کتابخانه زیتونیه در تونس مجموعه‌ای حدود ۴۰۰ هزار جلد برشمرده‌اند. مورخ مصری «مقریزی» می‌نویسد که در زمان حکومت فاطمی تعداد ۵۰ هزار جلد کتاب از طرف خلیفه به کتابخانه الازهر هدیه شد.

برحسب ادعای مورخان و پژوهشگران اکثر کتابخانه‌های بزرگ اسلامی دارای رقم میانگین شش تا ده هزار نسخه کتاب بوده‌اند. "یاقوت حموی" از مرو چنین می‌نویسد: «مردمان آنجا بسیار مهربان و ملایم بودند و نیز در این شهر ده کتابخانه وقفی موجود بود که از لحاظ فراوانی و خوبی کتاب‌ها در جای دیگر نظیر نداشت. دو کتابخانه در مسجد جامع که فقط یکی از آنها دوازده هزار جلد کتاب داشت.» (۱۵) و اما زبان کتاب‌ها که علاوه بر زبان عربی زبان‌های دیگری نیز دارا بودند. «بتانونی» درباره کتابخانه‌های شروانی و سلیمانیه در مسجد مقدس مکه می‌نویسد که: «دارای کتاب‌هایی به زبان‌های فارسی، اردو، اندونزیایی، ترکی بوده‌اند.» علاوه بر این کتاب‌هایی به زبان‌های یونانی، فرانسوی، قبطی، کردی، ارمنی، عبری، سومریایی، لاتین و همچنین زبان بومی فلسطین نیز در میان کتابخانه‌های مسلمین به چشم خورده است.

ساختمان، تجهیزات و سازماندهی کتابخانه‌های اسلامی

در مورد ساختمان کتابخانه و اینکه گاهی کاملاً مجزا و یا گاهی بخشی از مسجد، مدرسه و یا خانه‌ای ... بود قبلاً مطالبی گفته شد. اما در مورد اجزای داخلی خود کتابخانه؛ کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه شیراز قرطبه، قاهره، ساختمان‌های مجزایی داشتند که دارای اتاق‌هایی مختلف برای استفاده‌های گوناگون بود. راهروهای با قفسه‌های کتاب، اتاق‌هایی که در آنها مراجعین مطالعه می‌کردند، اتاق‌هایی برای کسانی که مشغول نسخه‌نویسی نسخ خطی جدید بودند، اتاق‌هایی برای نشست‌های ادبی و حتی اتاق‌هایی برای اجرای موسیقی و نوازندگی که همه این اتاق‌ها کاملاً مناسب و راحت و با محیط کتابخانه تطبیق داشت. [این فضایی که توسط مورخان و پژوهشگران ترسیم شده شبیه و گاهی کاملاً از فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ امروزی است.] کتابخانه "عزیز خلیفه" در قاهره، با یک میلیون و ششصد هزار کتاب دارای هجده سالن مطالعه، نزدیک آن کتابخانه بود. (۱۶) بر کف این کتابخانه‌ها زیلو و فرش‌هایی منقش و زیبا می‌گسترانند که به سبک شرقی به زانو بر روی آنها می‌نشستند و مطالعه می‌کردند. بر درب‌های اصلی پرده‌های



سعی در تهیه فهرست، توجه زیادی نیز به ترتیب قرارداد کتب در قفسه‌ها می‌کردند و دارای سازمان کاملاً متشکلی بود. مدارک موجود طبقه‌بندی و قفسه‌بندی کتاب‌ها را در این کتابخانه‌ها روشن می‌سازد؛ که درون قوطی‌ها، کمد‌ها و طاقچه‌های کتاب، کتاب‌های هم موضوع کنار هم قرار می‌گرفتند. دیگر روش معمول نوشتن اسم مؤلف و عنوان و موضوع کتاب در پشت کتاب یا در پایین صفحات کتاب بود یا این مشخصات روی قوطی مخصوص هر کتاب نوشته می‌شد. برای بازیابی بهتر و تسهیلات خوانندگان، عناوین کتب و محتویات قفسه‌ها و کمد‌ها بر روی کاغذی نوشته، بر روی قفسه‌ها و یا دیوارها نصب می‌شد. مقریزی در مورد کتابخانه‌های تخصصی بیمارستان قدیم می‌نویسد: «کتاب‌های فراوان با موضوعات گوناگون در اتاق‌ها با قفسه‌های بزرگ در اطراف آن اتاق‌ها بود. که قفسه‌ها به بخش‌های مختلف موضوعی تقسیم می‌شد با تقسیم‌هایی که هر کدام دارای در قفل بود و بر بالای هر در فهرست کتاب‌های داخل آن قسمت دیده می‌شد و حتی فهرست دیگری از کتاب‌های گم شده نیز وجود داشت.» (۱۷) این شرح حالی از فرهنگ دوستی و علم‌پروری در نزد مسلمانان بود. همین کارنامه درخشان مسلمین است که بیگانگان را به تحیر و منصفان‌شان را به تحسین و تمجید وادار می‌دارد. دکتر گوستاو لوبون می‌نویسد: «خدماتی که مسلمین به ترقی علوم کردند تنها در کشف علمی ایشان نبود بلکه مسلمانان با تأسیس مدارس و تألیف کتب علمی سبب انتشار انواع علوم شدند و از این جهت حق بزرگی برگردن اروپاییان پیدا کردند. قرن‌های زیادی اعراب و مسلمین نسبت به ملت‌های مسیحی و اروپایی سمت استادی داشته‌اند. ما به برکت مسلمین است که توانستیم حتی از علوم قدمای یونان و روم اطلاع پیدا کنیم. از زمان کنونی که بگذریم دانشگاه‌های ما همیشه نیازمند کتاب‌هایی بوده‌اند که از زبان عربی به لاتین ترجمه شده است.» (۱۸)

ضخیم قرار داشت تا از ورود هوای سرد و یا گرم جلوگیری کند. در سقف‌ها و دیوارها پنجره‌های بزرگ و کوچک برای تعبیه نور کافی طراحی گشته بود. در سالن‌ها و اتاق‌های مطالعه کاغذ، قلم، مرکب به طور رایگان برای استفاده‌کنندگان قرار داشت. [با هنر و ذوقی که میان مسلمین سراغ داریم می‌توانیم حدس بزنیم که ساختمان به چه شکل و ترتیبی تزیین شده بود. نقوش فرش‌ها و پرده‌ها، شیشه‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها و ظریف‌کاری‌های چوبی و ... را می‌توان تصور کرد.]

کتاب‌ها در قوطی‌های چوبی در طاقچه‌هایی که در دیوار تعبیه شده بود و یا در قفسه‌های چوبی قرار می‌گرفت و یا در کمد‌هایی جای می‌گرفت که ارتفاع این طاقچه، قفسه و کمد‌های کتاب به سقف می‌رسید.

انتصاب کتابدارانی برای رسیدگی به امور کتابخانه و سازماندهی در کتابخانه‌های اسلامی نیز امری رایج بود. این کتابداران اغلب از طرف حکام و نمایندگان آنها انتخاب می‌شدند که افرادی امین، دانشمند، قابل اعتماد بودند. «کینسن» در این باره می‌گوید: «در قرون وسطی موقعیت کتابدار در سرزمین‌های مسلمین بسیار با اهمیت بود. چون در این کتابخانه‌ها کتابداران اغلب به علت دانش و معرفت خود نسبت به کتاب‌ها برگزیده می‌شدند. این اشخاص افراد مهم جامعه بودند و اغلب در دربار شاهان افراد دانشمند به این سمت گماشته می‌شدند.» تهیه و فراهم‌آوری فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه توسط متصدیان و کتابداران به منظور استفاده مراجعان، سبب می‌گشت تا کنترل دقیق و کاملی از نظر کیفی و کمی بر روی کتاب‌ها اعمال گردد. فهرست کتابخانه‌های اسلامی که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند نمایانگر اشخاص و کتابدارانی است که از طرف بانیان کتابخانه‌های بزرگ تونس از جمله «قیروان» دارای چنین فهرست‌هایی بوده‌اند. کتابخانه «ابدالیه» در مسجد زیتونیه تونس دارای راهنمایی بوده که بسیاری از کتاب‌ها را به فهرست در آورده بود. فهرست کتاب‌های کتابخانه الازهر به شش جلد و به سه هزار و پانصد صفحه نوشته شده بود. «گوستاو فلوگل» یک نسخه خطی در کتابخانه «وین» قرارداد که فهرست همه کتاب‌های کتابخانه الازهر بود. در این کتابخانه‌ها علاوه بر